

نمایش کوتاه مذهبی

محمد (ص)

صحنه : ۲مرد وارد صحنه می شوند اولی می گوید:

گفتم همسایه ما یهودی مذهب است و ادعا می کند پیش گویی می داند

دومی : شاید راست گفته باشد، باید کمی صبر کرد تا راست گویی یا دروغ گویی او اثبات شود.

اولی : همچنان محکم می گوید که پیامبری بزودی به دنیا خواهد آمد که پیامبر آخر الزمان نام خواهد گرفت که انگار ... می گوید : قیامت و میزان و حساب و بهشت و جهنم مقرر گشته و به زودی در میان مکه و یمن پیامبر آخر الزمان مبعوث خواهد شد که

دومی: که قادر است مردم را از خطا و لغزش ها نجات دهد و به راه راست و مستقیم راهنمایی کند.

اولی : مرا مسخره می کنی؟

دومی : آخر چند بار این کلمات را گفته ای ... خوب حفظ کرده ام ... چقدر تکرار می کنی ... خسته شدم. یک بار بگویی کافی است

اولی : خوب است من هم جملات تو را به سخره بگیرم

دومی: نه نه تسلیم شدم آخر من یکبار گفتم که از حضرت عیسی مسیح (ع) نقل شده است.

اولی : که بار الها آیا مرا از آن چشمه سیراب می گردانی خطاب آمد: نوشیدن آن تا زمانی که حبیب من محمد (ص) و امت اوننوشتند بر هیچ کس مباح نیست .

دومی : حافظه توهم بد نیست با این سن فقط یکبار گفتم تو خوب حفظ کردی و در حافظه ات ماند

اولی: از درخت طوبی و حضرت مسیح گفته ای ... ولی کامل اش نکردی

دومی: آری آن حضرت از خداوند متعال سؤال می کنند درخت طوبی را برای چه کسانی کاشته ای ؟ خطاب رسید درختی است که با دست قدرت خود کاشته ام که به جنات سایه انداخته و ریشه آن در بهشت رضوان است آبش از چشمه ای است .

اولی : همان چشمه ای را می گویی که حضرت مسیح تمنای نوشیدنش را داشت.

دومی : آری نگذاشتی که داستان را کامل بگویم ...

اولی : خوب بگو برایم جالب است

دومی : آبی که در آن چشمه است خنک که خنکی اش مثل خنکی کافور و با طعم زنجبیل . هرکس توفیق یابد جرعه ای از آن بنوشد از تشنگی قیامت به امر خداوند معاف می شود.

اولی : عجب ... پس حضرت مسیح (ع) حق داشته بداند آیا نوشیدن این آب برایشان قسمت خواهد شد.

دومی : و خداوند به آن حضرت فرمود : تاحبیب اش محمد(ص) و امت او ننوشند بر کسی مباح نخواهد بود ...

اولی : ولی من درجایی شنیده ام فقط آن آب را پیامبر آخر الزمان و امت اش خواهند نوشید.

دومی : گفته شده است در دوران پیامبر آخر الزمان مسیح ظهور کرده ؟؟؟ و پشت سر یکی از فرزندان پیامبر آخر الزمان نماز گذارده و او را یاری خواهد نمود ...

اولی: دانستم یعنی پیامبر خدا تابع آخرین فرزند رسول ... خواهد بود... و به یاری او ظهور خواهد کرد

دومی : به گمانم همین طور باشد چون همه آنها در یک مسیر قدم برمی دارند... و دین آخر الزمان دین آنهاست .

اولی : در کتاب انجیل آمده که خداوند از عیسی بن مریم خواسته تا به مردم بگوید... خداوند بعد از ایشان پیامبری را مبعوث خواهد کرد که مانند او در علم و کمال و اخلاق کسی ندیده و نخواهد دید..

دوّمی : من هم از یک مسیحی شنیده ام ... همین را می گفت از کتاب مسیحیان

اوّلی : آری و در ادامه آن حضرت می فرماید: سخن او احکام قرآن و ؟؟؟ دین کامل دین مقدس اسلام است ... خوشا به حال کسی که زمان او را درک کند.

دوّمی : بیانات او را بشنود و عمل کند...

سپرده دوّم :

زنی در حال نگهداری از نوزاد است که مرد وارد می شود و زن با احساسی مادرانه می گوید
عبدالله بیا ببین ...

عبدالله : چه شده است آمنه ... خیلی خوشحال به نظر می رسی .

آمنه : چرا خوشحال نباشم گویی ملائک از آسمانها ندا می دهند گوش کن ...

عبدالله : آری من هم گه گاهی صداهایی می شنوم مانند زمانی که، که تو باردار بودی ...

آمنه : زمانی من باردار بودم مولود در شکم من تسبیحاهاتی که می گفتم را تکرار می کرد... اما
اینکه دائم از آسمان ندا می رسد جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا گویی فوج فوج
ملائک الهی به زین هبوط می کنند بر فرزندانمان سلام می رسانند

عبدالله : این معجزات الهی است ... آمنه ... یادت هست وقتی خبر باردار شدن را به من گفתי
خشکسالی و قحطی پایان یافت و باران رحمت الهی باریدن گرفت . آن زمان خشکسالی و قحطی
آب مردم را کلافه کرده بود

آمنه : آری یادم نرفته عبدا... و پدرت می گفت خداوند فرزندی به تو عطا خواهد کرد که نامش
محمد مصطفی (ص) و پیامبر آخر الزمان خواهد بود...

عبدالله: درعجبم که آن موقع آثار حمل تو اصلا نمایان نبود

آمنه : خوب مشیعت و تقدیر خداوند این چنین بوده شکرگزار باید بود... عبدالله لحظه تولّد
محمد(ص) لحظات عجیبی بود صحنه هایی دیدم که سراسر اعجاز بود

عبدالله : بگو بدانم یعنی بسیار کنجکاو هستم

آمنه : وقتی نوزاد بدنیا آمد گویی نور که تمام فضا را گرفت و تمام خانه را پر کرد ... محمد(ص)
دست چپ را بر زمین گذاشت و دست راست را به طرف آسمان بلند کرد و لب های مبارکش در
حرکت بود...

عبدالله : خب دیگر چه

آمنه : نوری از دهان معجزه بیانش ساطع بود ... و منادی می گفت ... ای آمنه مبارک باد بر تو این
فرزند که بهترین مردم دنیا است او را محمد (ص) نام بگذار ...

عبدالله : آمنه با صدای ملائک آسمان گویی منادی ندا می دهد جا الحق و زهق الباطل ان الباطل
کان زهوتاً

آمنه : می شنوم ... خدای من می شنوم ... چه زیباست ... صدای آنها چه دل انگیز است دل انگیز
است

راوی : اخبار مهمی است که زبان به زبان بین مردم می چرخد ... بعد از ولادت پیامبر خدا تمام بت
ها را در بتکده ها سرنگون گشته ... و ایوان کسرای با آن عظمت به زلزله آمده

و چهارده کنگره آن خراب شده است... علم همه کائنات و ساحران باطل شده و تخت پادشاهان
واژگون گشته و سرنگون شد دریای ساوه پس سالها خشکی به برکت قدم زیبای محمد مصطفی
(ص) پر از آب گردید.

که آن سال را مردم س ال آل الله نام نهادند...

والسلام